

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۱

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۴/۱۹

صفحات: ۱۳۲-۱۰۷

زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش

سید یوسف قریشی*

استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

فاطمه احمد نژاد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شیراز

چکیده

چرا زنان اروپایی به داعش می‌پیوندند؟ این سؤال در ابتدای ظهور داعش در خاورمیانه، مسئله ذهنی بسیاری از اجتماعات مسلمان بود تا این که رفته رفته، با اعلام تشکیل خلافت اسلامی و پیوستن تعداد زیادی از زنان مسلمان به آن، اهمیت پژوهشی به خود گرفت. در این راستا، تعداد انگشت‌شماری از مؤسسات پژوهشی، گزارش‌هایی منتشر کردند که به ارتباط میان داعش و زنان می‌پرداخت اما از حیث علمی، ادبیات درخور توجهی تولید نشد. این امر سبب شد در مقاله حاضر با محوریت سؤال مذکور، به بررسی علل پیوستن زنان اروپایی به داعش بپردازیم. حدس اولیه یا فرضیه مقاله آن است که زنان با قربانی دانستن خود و بخاطر دلالتی همچون حس عدم تعلق به فرهنگ غرب، ظلم و بی‌عدالتی در قبال امت مسلمان، واکنش به بی‌تفاوتی جامعه بین‌المللی در قبال فجایع انسانی و در نهایت، تأسیس آرمان‌شهر اسلامی به عضویت داعش درآمدند. این موارد در پرتو نظریه فشار عمومی در باب تروریسم رابرت اگنیو، به‌بوته آزمون گذاشته می‌شوند. شایان ذکر است که پدیده داعش همزمان به عنوان یک سازمان تروریستی و یک حکومت به عنوان مفروض این نوشتار پنداشته شده تا با اتکا به آن، بتوان نقش‌های زنان داعشی را تشریح کرد.

واژگان کلیدی: داعش، زنان، تروریسم، رابرت اگنیو، نظریه فشار عمومی

* نویسنده مسئول، ایمیل: sy.ghorashi@gmail.com

مقدمه

حضور زنان در گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی قدمت زیادی ندارد و به دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد که حوزه فعالیت آنان به آمریکای لاتین و اروپا اختصاص داشت و گاهی در برخی از این گروه‌ها، حضور زنان به یک سوم اعضا هم می‌رسید. در کنار بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌های تروریستی که خبر از افزایش حضور زنان در این گروه‌ها با گذر زمان می‌دهد، ارزیابی نقش‌ها و کارویژه‌های زنان در سازمان‌های تروریستی پرده از این واقعیت بر می‌دارد که رفته رفته، زنان موفق شده‌اند از نقش‌های افقی یا حمایتی عبور کرده و وارد نقش‌های عمودی و عملیاتی شوند. ورود زنان به این چنین نقش‌هایی، موجب شده تا آنان در کانون توجه واقع شوند و واکنش‌ها و پرسش‌های جدیدی پیرامون آن‌ها شکل بگیرد. مسئله اصلی ذهن مخاطبان عملیات تروریستی آن است که در عمده حوادث جامعه، یک زن معمولاً به مثابه یک قربانی و موجودی بی‌دفاع تلقی می‌شود، و نه فردی که به خشونت و هراس‌افکنی توسل جسته تا به اهداف مورد نظر خود دست یابد. به سخن دیگر، وجود کلیشه‌های رایجی همچون «روح زیبا» یا «الهه عشق» درباره زنان باورپذیری «زن تروریست» را دشوار می‌سازد. وجود پارادکس میان عینیت موجود و ذهنیت مبتنی بر کلیشه‌ها، بسیاری از کارشناسان اعم از تروریست‌پژوهان، روانشناسان، تحلیل‌گران سیاسی و سایر اصحاب پژوهش را بر آن داشت تا از حیث روان‌شناختی، به کالبدشکافی زنان تروریست بپردازند. حاصل مطالعات اولیه پیرامون زن تروریست، شناسایی متغیرهایی همچون افسردگی، دیوانگی، بی‌پروایی، روان‌پریشی یا وجود یک واسطه (عمدتاً مرد) بود که زنان را به تروریست مبدل ساخته بود.

اما در نقطه مقابل این ارزیابی، فرضیه‌هایی مبتنی بر پژوهش‌های متأخری شکل گرفت که نشان می‌داد که عموم تروریست‌ها نه جامعه‌ستیزند و نه دیوانه یا افسرده و بالتبع، زنان عضو سازمان‌های تروریستی نیز فاقد این خصلت‌ها هستند. بنابراین نگاه کلیشه‌وار به زنان تروریست نادرست است و از منظری دیگر باید به تحلیل علل یا دلایل پیوستن زنان به گروه‌های تروریستی پرداخت. در میان گروه‌های تروریستی که از حضور زنان نیز بهره‌مند بود و برخی از اهداف خود را به مدد آنان محقق ساخت، داعش است. این گروه تروریستی با ادعای تشکیل خلافت اسلامی و تعریف کار ویژه‌های متعدد برای زنان، به جذب این قشر از جوامع از سراسر جهان اقدام نمود و موفق شد بخشی از زنان را به عضویت در داعش تشویق نماید. توفیق در نیروگیری بویژه از مناطق اروپایی، این سؤال را در ذهن بسیاری شکل داد که چرا بخشی از زنان

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ۵

مسلمان ساکن در کشورهای اروپایی، دعوت داعش را پذیرفتند و به آن پیوستند. در واقع انگیزه این زنان از مهاجرت به مناطق تحت اشغال داعش و زندگی در میان تروریست‌ها چه بود؟ این مسئله، مبنایی برای تدوین مقاله حاضر و پاسخ‌گویی به این سؤال قرار گرفت که چرا زنان اروپایی به عضویت داعش در آمدند؟ به منظور پاسخ‌گویی به سؤال اصلی مقاله، در ابتدا با انتخاب نظریه فشار عمومی رابرت اگنیو در باب تروریسم، به تشریح گزاره‌ها و اصول آن می‌پردازیم. سپس، تشریح انگیزه‌های زنان اروپایی برای عضویت در گروه‌های تروریستی و ایفای نقش آنان را مورد اشاره قرار می‌دهیم. در ادامه، به چرایی پیوستن زنان به داعش و در نهایت، نقش‌های آنان در این سازمان را بررسی می‌نماییم.

۱- نظریه فشار عمومی ناظر به تروریسم (General Strain Theory of Terrorism)

نظریه فشار عمومی ناظر به تروریسم رابرت اگنیو (Robert Agnew)، نسخه خاص نظریه فشار عمومی وی است. نظریه فشارهای عمومی اگنیو که در ۱۹۹۲ مطرح شد، پاسخی به نقصان‌های فراوان موجود در نظریه‌های فشار بود که عموماً در نیمه اول قرن بیستم ارائه گشتند. به طور اجمالی، نظریه فشار عمومی در صدد بود تا ارتباط میان اعمال فشار از سوی منبع فشار و توسل به جرم از سوی مردم تحت فشار را تبیین نماید. به سخن دیگر، این نظریه در پی آن بود تا نشان دهد، ارتکاب جرم از سوی شهروندان ریشه در فشارهایی دارد که در اجتماع بر آنان وارد می‌شود. بدین منظور، اگنیو تلاش نمود تا با اتکا به گزاره‌های مفهومی همچون میزان فشار، دلیل فشار، رابطه میان فشار و جرم و در نهایت جلوگیری از تأثیرات فشار به تشریح نظریه خود پردازد و سرانجام، کاربردی آن را در موارد مطالعاتی متعدد به بوته آزمون گذارد (Agnew, ۱۹۹۲: ۵۰-۷۴).

نظریه اگنیو بواسطه بهره‌مندی از مفروضات و گزاره‌های مستحکم، در میان طیف وسیعی از پژوهش‌گران علوم اجتماعی در قرن بیستم بکار گرفته شد و این امر، اگنیو را به بسط نظریه فشار عمومی با اتکا به موضوعات جدید ترغیب نمود. با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و تولد تروریسم جدید، امکان بسط نظریه برای اگنیو فراهم شد. او در اثر خود (۲۰۱۰)، سعی کرد به مدد پژوهش‌های موجود، شالوده‌های نظری مختص تروریسم را بنا نهد. از منظر اگنیو، اغلب

- ♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —
- پژوهش‌های مرتبط با تروریسم دارای یک نقطه یا گزاره مشترک هستند: «بروز و ظهور تروریسم ریشه در فشار دارد». اگرچه این گزاره از حیث پرداختن به «فشار» عام به نظر می‌رسد اما اگنیو یادآور می‌شود که این فشار در قامت‌های متفاوتی توسط پژوهش‌گران تجسم شده است که عبارتند از (Agnew, ۲۰۱۰, p. ۱۳۲-۱۳۳):
- فقدان یا کمبود نسبی عناصر مادی در جامعه
 - مسائل مرتبط با جهانی شدن یا مدرن شدن، مانند تهدیدهای مرتبط با سلطه مذهبی و به چالش کشیده شدن نقش‌های سنتی در خانواده
 - ناراضی‌تبی از تسلط فرهنگی، اقتصادی و نظامی غرب بویژه ایالات متحده
 - منازعات سرزمینی، قومی و مذهبی ناشی از فرآیندهای دولت-ملت‌سازی در دوره پساستعماری
 - تبعیض اقتصادی، سیاسی، نژادی، قومی یا مذهبی
 - مسائل پیش روی مهاجران اعم از بیکاری، تبعیض، تضاد میان ارزش‌های اسلامی و غربی
 - عدم رعایت حقوق اساسی بشر اعم از حقوق سیاسی، امنیت شخصی، حق برآورده شدن نیازهای اساسی بشر
 - ظلم شدید دولت، از جمله خشونت گسترده علیه یک گروه خاص
 - چالش‌های خشن علیه هویت گروهی
 - بی‌خانمان کردن یا اشغال سرزمین و خانه افراد
 - اشغال نظامی سرزمین
 - تهدید نسبت به گروه‌های اقلیت مثل کارگران، سفیدپوستان، سیاه‌پوستان و غیره
- اگنیو با ارزیابی و تحلیل موارد فوق، به گونه‌های مختلفی از فشارهای اعمالی اشاره می‌کند که مبنای نظریه فشار عمومی ناظر به تروریسم هستند.

۱-۱- فشارهای اعمالی

این فشارها به سه گونه عام تقسیم می‌شوند: اول - فشارهای بسیار زیادی که مردم عادی را قربانی می‌کند؛ دوم - فشارهایی که به نظر قربانیان، ناعادلانه می‌رسند و سوم - فشارهای ایجاد شده توسط «دیگران» قوی‌تر (Agnew, ۲۰۱۰, p. ۱۳۶). از نگاه اگنیو، فشارهای نوع اول و

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ۵
سوم محتمل تر است که به تروریسم منجر شود. اینگونه از فشارها در حکم متغیرهای مستقلی
عمل می‌کنند که به رفتار تروریستی (به عنوان متغیر وابسته) شکل می‌دهند.

۱-۱-۱- فشارهای بسیار زیاد با قربانیان مردمی

اگنیو در دسته اول به فشارهایی می‌پردازد که اولاً از شدت زیادی برخوردارند و ثانیاً قربانیان
آن، مردم عادی هستند. شدت زیاد ناظر به کنش‌هایی است که آسیب‌های جدی به قربانیان وارد
می‌سازد و این آسیب‌ها، مشمول مواردی چون مرگ، آسیب فیزیکی و جنسی، سلب مالکیت،
سلب شغل و معیشت، و در نهایت، خدشه به هویت‌ها، ارزش‌ها، و اهداف می‌شود. علاوه بر این،
فشارهای دسته اول، تکرار شونده، طولانی مدت، مستمر و گسترده هستند و اغلب قربانیان و
تأثیرپذیرندگان اصلی آن را مردم عادی تشکیل داده است و بخش عظیمی از جامعه با آن درگیر
هستند (Agnew, ۲۰۱۰, p. ۱۳۷). اما علاوه بر موارد فوق که نمود عینی فشار هستند، ایجاد
تصور از تحت فشار بودن هم، اثری مشابه بر روی قربانیان اینگونه فشار دارد و آن‌ها را دچار
تنگنا و مضیقه می‌کند.

۱-۱-۲- فشارهای ظاهراً ناعادلانه یا غیرمنصفانه

چنانکه بیان شد، این فشارها از دید اگنیو محتمل نیست که به تروریسم بیانجامد. با وجود
این، بخشی از نظریه او را شکل می‌دهند. او این فشارها را ناظر به «عامل و علت» فشارهای
دسته‌جمعی می‌داند که بواسطه نقض خودخواسته و عمدی هنجارهای مرتبط با عدالت توسط
یک عامل خارجی، در کانون توجه واقع می‌شوند. فشارهای جمعی در برخی مواقع هم ممکن
است ناظر به کنش‌های عمدی و خودخواسته یک عامل خارجی نباشد. مثلاً این فشارها ممکن
است نتیجه کنش‌های یک گروه از مردم تحت فشار (مثل افرادی از طبقه پایین که خود قربانی
افرادی از طبقه پایین دیگر هستند)، یا نتیجه فجایع طبیعی مثل (تندبادها و اپیدمی‌ها)، یا نتیجه
حوادث منطقی (مثل برخورد هواپیما و آتش‌سوزی) باشند (Agnew, ۲۰۱۰, p. ۱۳۸).

۱-۱-۳- فشارهای اعمال شده توسط دیگران قوی‌تر

منظور از «دیگران قوی‌تر»، مردمی هستند که با اعمال‌کنندگان فشار، همدست و همراه
می‌شوند. این افراد، بخاطر در اختیار داشتن منابع قدرت اعم از تجهیزات، مهارت‌های نظامی،

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

پشتیبانی سایرین و نظائر آن، قوی‌تر محسوب می‌شوند. علاوه بر این، «دیگران قوی‌تر» اغلب از حیث ابعاد اجتماعی نظیر مذهب، نژاد، طبقه، محل زندگی، ملیت و ایدئولوژی سیاسی، با مردم تحت فشار متفاوتند. «دیگران قوی‌تر» از طرق مختلفی اعم از رأی دادن به حکومتی که به اعمال فشار علیه مردم خود شهره شده است، یا حمایت از اقدامات حکومت همچون اخذ مالیات بیشتر که به فشار بیشتر می‌انجامد یا ابراز علنی و عمومی حمایت از حکومت مولد فشار، یا خدمت به نهادهای حکومتی، در ایجاد فشار نقش دارند. البته برخی اندیشمندان با تقسیم‌بندی میان حکومت‌های دموکرات و غیردموکرات، خاطرنشان می‌سازند که در حکومت‌های دموکرات، دیگران قوی‌تر، نقش بیشتری در انتخاب و اثرگذاری بر حکومت‌ها دارند. مثلاً گودوین (، ۲۰۰۶، ۲۰۳۷ p) با اتکا به مفهوم دموکراسی بورژوازی معتقد است که «دیگران قوی‌تر» در ایالات متحده از نقش برجسته‌تری در انتخاب حکومت و دولت‌مدان برخوردارند و طبیعتاً بیشتر در معرض بدگمانی قرار دارند. در مجموع در این تقسیم‌بندی، دیگران قوی‌تر عامل فشار بر مردم محسوب می‌شوند.

اگنیو پس از برشمردن سه گونه فشار که ناظر به سرشت، دلائل و ارتباط میان قربانی و منبع اعمال فشار است، به متغیرهای میانی یا مداخله‌ای می‌پردازد که نقش واسطه میان فشار و رفتار تروریستی ایفا می‌کنند. او بر این باور است که فشارها، مستقیماً سبب توسل مردم تحت فشار به تروریسم نمی‌شود بلکه این فشارها به مکانیزم‌های مداخله‌ای شکل می‌دهند که در نهایت به تروریسم ختم می‌شوند.

۱-۲- مکانیزم‌های مداخله‌ای

از دید اگنیو، این مکانیزم‌های مداخله‌ای، دارای اهمیتی مشابه با فشارها هستند چرا که با مرتفع کردن آن‌ها، می‌توان مانع از وقوع تروریسم شد. مکانیزم‌های مداخله‌ای اگنیو دربرگیرنده چهار مورد است که عبارتند از:

۱-۲-۱- احساسات منفی

احساسات منفی که عموماً شامل مواردی همچون خشم، حقارت و ناامیدی می‌شوند، مقدمه توسل به اقدامات اصلاحی غیرمسالمت‌آمیز هستند. چرا که این احساسات بواسطه اثر مخرب ذهنی، توانایی حل مسئله از طرق قانونی را کاهش می‌دهند و افراد تحت فشار را به سمت

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش
کنش‌های دلبخواهانه و انتقام‌گیرانه متمایل می‌سازند. این افراد کمتر قادر به تسلط بر خود هستند و هشیاری آنان نسبت به عواقب رفتاریشان اغلب اندک است (Agnew, ۲۰۱۰, p. ۱۴۰). از این رو انتخاب تروریسم توسط افراد مذکور، برای تقابل با فشار ضروری تلقی می‌شود.

۱-۲-۲- استیصال در حل مسئله

زمانی که مردم عادی تحت فشار قرار می‌گیرند، عملاً گزینه‌هایشان برای حل مسائل پیش رو کاهش می‌یابد. اگر این مردم در وضعیت طبیعی برای حل مسئله خود به شیوه‌هایی همچون مذاکره، لابی‌گری، میانجی‌گری توسط یک نهاد بین‌المللی، اعتراض یا حتی شورش، متوسل می‌شدند، در شرایط اعمال فشار به گزینه‌های کمتر مصالحه‌آمیز توجه می‌کنند. بدین معنا که فشارها، سبب خروج از فرایندهای سیاسی و بروز گونه‌های خشن از جنبش‌های اعتراضی می‌شود. همچنین هنگامی که فاصله قدرت میان مردم تحت فشار و منبع فشار زیادتر باشد، اعمال روش‌های غیرمسالمت‌آمیز حل مسئله از سوی مردم نیز محتمل‌تر است.

۱-۲-۳- کاهش کنترل اجتماعی

فشارهای پیش‌گفته، عوامل کنترل یک اجتماع که مانع توسل به تروریسم می‌شوند را نیز کاهش می‌دهند (Agnew, ۲۰۱۰, p. ۱۴۱). این فشارها روابط احساسی میان مردم تحت فشار و منبع اعمال فشار را تضعیف می‌کنند و افراد تحت فشار را بدین ارزیابی می‌رساند که در صورت توسل به اقدام تروریستی، چیزی را از دست نمی‌دهند. این فشارها، نادرست و غیرقانونی بودن اقدام تروریستی را کم اهمیت جلوه می‌دهد و در عوض، همدردی و مسامحه با تروریست‌ها را موجه می‌کند که حاصل آن حمایت از تروریسم و اقدامات هراس‌پرور است.

۱-۲-۴- ایجاد و تقویت باورهای تروریستی

باور مردم تحت فشار به مورد تجاوز قرار گرفتن توسط دیگران قوی‌تر، آنان را به سمت یک هویت جمعی متمایز سوق می‌دهد. این هویت جمعی، در قامت یک اجتماع متشکل و باورمند به اصل «سرنوشت به هم گره‌خورده» تجلی می‌یابد. این اصل ناظر به آن معناست که سرنوشت یک گروه، سرنوشت اعضای گروه را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد و بالعکس. بدین ترتیب، لزوم حمایت از گروه و اعضای آن بدیهی تلقی می‌شود. حمایت و پشتیبانی از گروه، در قالب باور به

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —
اقدام تروریستی دسته‌جمعی نمود می‌یابد که حاصل آن تأیید گزاره «توسل به اقدام تروریستی برای برطرف کردن مشکلات» است. البته اینترنت و رسانه‌ها نیز ایجاد چنین گروه‌هایی را تسهیل می‌کنند، چرا که فشارها را عمومی و آشکار می‌سازند و به افراد تحت فشار اجازه می‌دهند تا به صورت مجازی با یکدیگر مرتبط باشند و به راحتی به استخدام گروه‌های تروریستی درآیند (Agnew, ۲۰۱۰, ۱۴۲-۱۴۳).

۱-۱- دلایل پیوستن زنان به گروه‌های تروریستی

دلایل و انگیزه‌های زنان برای پیوستن به گروه‌های تروریستی عموماً ناظر به این مسئله است که آنان خود را به مثابه قربانیان فشارهای اجتماعی تلقی می‌کنند که برای برطرف نمودن آثار فشار، توسل به تروریسم یک گزینه مطلوب تصور می‌شوند. نکته حائز اهمیت آن است که اگرچه انگیزه‌های زنان در این رابطه با انگیزه مردان شباهت دارد، اما تروریست‌های زن، بواسطه ایفای نقش‌های منحصربفرد از لحاظ انگیزشی دارای تفاوت‌هایی با مردان هستند. با وجود این، در گرایش زنان به تروریسم و پیوستن آنان به سازمان‌های تروریستی، موارد زیر مؤثرند:

۲-۱- انتقام ناشی از غم

غم، یکی از دلایل و انگیزه‌هایی است که علی‌رغم شخصی و پنهان بودن نمود آن، زنان و دختران را به سمت گروه‌های تروریستی سوق می‌دهد. عدم حضور مرد به عنوان تکیه‌گاه در زندگی زنان، آنان را از لحاظ احساسی، جسمی و مالی تحت تاثیر قرار می‌دهد. در اغلب موارد، فقدان معشوق، ظلم و بی‌عدالتی در سرزمین‌های اشغال‌شده توسط بیگانگان، حمله غارت‌گرانه به روستای دورافتاده، و تلفات ناشی از عملکرد کشورهای اشغالگر برای یک زن دشوار است و او را به غم مبتلا می‌سازد و به سمت انتقام روانه می‌کند (Sutten, ۲۰۰۹, pp. ۲۱-۲۲). مستند این موضوع، بیهوهای سیاه چپن بودند که بخاطر غم ناشی از مرگ یا شکنجه اعضای خانواده یا افراد نزدیک به خود، دست به اعمال تروریستی زدند. بر اساس پژوهش‌های موجود، ۸۸ درصد این زنان، مرگ اعضای خانواده خود را در جنگ چپن روسیه تجربه کرده بودند. از دست دادن اعضای خانواده، شیوه زندگی زنان چپن را به گونه‌ای تحت تاثیر قرار داده بود که به تعبیر خود، گویا مرده‌اند و مانند مردگان زندگی می‌کنند (Lay, ۲۰۱۵, p. ۲۱).

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ۵

۲-۲- شکستن هنجارهای جنسیتی حاکم

بخشی از زنان تروریست با استناد به انگاره‌های زن‌باورانه، در پی اثبات نظری و عملی این گزاره هستند که جنسیت یک هویت ثابت بیولوژیک نیست، بلکه بواسطه کردارها و فرایندهای اجتماعی شدن متولد شده است. به سخن دیگر، جنسیت ناظر به ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و گفتمانی است و مفاهیم مردانگی و زنانگی حکایت از آن دارند که چگونه زنان و مردان بواسطه یک تاریخ سیاسی پیچیده ساخته شده‌اند که در آن، زن در یک حوزه خصوصی و مرد در یک حوزه عمومی قرار گرفته است. بر این اساس، مردان برخوردار از نقش‌هایی همچون نگهبان و حامی، ایثارگر، وطن‌پرست، شجاع، مهاجم و قهرمان برساخته شده‌اند، در حالی که زنان، «روح زیبا» هستند و وظیفه حمایت روحی بر عهده دارند و به همسران شجاع خود در میدان جنگ، عشق هدیه می‌کنند. زنان تروریست تلاش می‌کنند تا این کلیشه را که مولد فشار تاریخی بر زنان بوده است را خدشه‌دار کنند و با حضور در حوزه عمومی، چهره‌ای متفاوت از خود بروز دهند و نشان دهند که ذاتاً صلح‌طلب نیستند (Buzan and Hansen, ۲۰۰۹, pp. ۱۴۰-۱۳۹).

حالات تروریستی نیز از این حیث که در حوزه عمومی رخ می‌دهند، عرصه جذاب‌تر برای ورود زنان محسوب می‌شود. زنان با وارد شدن در گروه‌های تروریستی می‌توانند فرصت‌های دیگری فراتر از محدودیت‌های موجود در جوامع سنتی را دنبال کنند. با مشارکت زنان در تروریسم به عنوان عاملان خشونت، دیگر زنان براساس نقش جنسیتی خود تعریف نمی‌شوند و تروریسم ابزاری می‌شود که زنان از طریق آن می‌توانند تعبیرهای نادرست رایج در مورد خود را از بین برده و رهایی و آزادی را دنبال کنند (Gray, ۲۰۱۵, p. ۱۰).

۲-۳- رهایی از فشار خانوادگی

بخشی از زنان بر اثر فشارهای وارد شده توسط اعضای خانواده خود به سمت گروه‌های تروریستی سوق پیدا می‌کنند. این گونه از زنان، بخاطر حضور در خانواده‌های مردسالار همواره تحت فشارند و بواسطه استیصال در حل مسئله از طریق گفتگو و عدم همراهی سایر اعضای خانواده در برطرف نمودن معضلات خانوادگی، به شیوه‌های غیرمسالمت‌آمیز متوسل می‌شوند. تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در کشورهای اروپایی از جمله بریتانیا و فرانسه مؤید این موضوع هستند و حکایت از آن دارند که دختران اروپایی علیرغم حضور در جوامع دموکرات،

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —
بخاطر رفتار پدرانشان، افراطی شده‌اند و به گروه‌های تروریستی ملحق گشته‌اند (Lay, ۲۰۱۵, p. ۲۲).

۲-۴- رفع مشکلات مالی

بر اساس برخی پژوهش‌ها، ارتباط وثیقی میان مشکلات مالی و تروریسم وجود دارد. در زمره این پژوهش‌ها، گزارش بانک جهانی است که تروریسم و تولید ناخالص داخلی را به هم مرتبط دانسته است. مطابق با این گزارش، کشورهای ثروتمند در مقابل فعالیت‌های تروریستی تاب و تحمل بیشتری دارند، در حالی که فقر و محرومیت سبب پرورش تروریسم می‌شود. مطابق با نظریه فشار عمومی، سلب شغل و معیشت بواسطه مرگ شوهر، پدر یا پسر موجب می‌شود که خانواده حامی اقتصادی خود را از دست بدهد و امکان حل مسئله از طرق مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر نباشد. زنان موجود در این خانواده‌ها، طعمه‌ای آسان برای گروه‌های تروریستی تلقی می‌شوند، بخصوص این‌که عادتاً این مادران و دختران هستند که حاضرند برای زنده ماندن سایر اعضای خانواده فداکاری کنند. پس از مرگ این گروه در جریان فعالیت‌های تروریستی، بازماندگان خانواده مقادیر زیادی پول و پاداش‌های مالی از سوی رهبران تروریست دریافت می‌کنند. همچنین بواسطه شهرت اجتماعی ناشی از عملیات تروریستی، چه بسا از سوی برخی افراد جامعه مورد احترام قرار بگیرند (Sutten, ۲۰۰۹, pp. ۲۴-۲۵).

۲-۵- احیای شرافت از دست رفته

چنان‌که ذکر شد، زنانی که در زندگی، آسیب فیزیکی یا جنسی تجربه کرده‌اند محتمل‌تر است که به گروه‌های تروریستی بپیوندند. این زنان مایه تحقیر و سرافکنندگی خانواده خود محسوب می‌شوند و شرافت خود را از دست رفته می‌یابند. بنابراین اغلب آن‌ها برای بهبود وضعیت خود، یا به تعبیر دیگر برای پاک کردن خود از این برجسب‌ها، به سازمان‌های تروریستی ملحق می‌شوند. چرا که سازمان‌های تروریستی، وسیله‌ای برای رهایی آنان از چشم خانواده و جامعه است و از طریق آن، شرافت سابق را بدست می‌آورند. بخاطر تلقی مقدس و شهادت‌طلبانه از مرگ زنان موجود در این دسته، شرافت آنان احیا شده و احترام برای بازماندگان را به ارمغان می‌آورد. از این رو زنان یادشده، داوطلب انجام عملیات انتحاری می‌شوند که نتیجه آن مرگ است (Gray, ۲۰۱۵, p. ۱۰).

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ۵

حاصل سخن آن که یک یا مجموعه‌ای از انگیزه‌های فوق است که زنان را به سمت رفتار تروریستی سوق می‌دهد. این زنان با استناد به قربانی بودن، عضویت در سازمان‌های تروریستی را به عنوان هدف اصلی خود تعریف می‌کند تا با اتکا به آن، فشارهای وارده شده بر خود را بطرف نمایند. این زنان با نگاه به پتانسیل‌های خود، به اخذ نقش مناسب در گروه‌های تروریستی مبادرت می‌ورزند. آنان طبیعتاً تلاش می‌کنند تا نقش‌های محول‌شده را با انگیزه‌های پیوستن به سازمان مرتفع نمایند.

۲- نقش زنان در گروه‌های تروریستی

زنان قربانی فشارهای اجتماعی پس از پیوستن به گروه‌ها یا سازمان‌های تروریستی، دارای نقش و کارویژه‌های متعددی می‌گردند که در رفع فشارهای وارد شده به آن‌ها مؤثرند. برابند پژوهش‌های مرتبط با حوزه زنان و تروریسم حکایت از آن دارد که زنان در این گروه‌ها، عمدتاً نقش‌هایی چون تدارکاتی، استخدام‌کننده، عامل انتحاری، چریک، رهبر و پیشرو سیاسی را بر عهده داشته‌اند (Cragin & Daly, ۲۰۰۹, Mahan & Griset, ۲۰۰۸). شایسته بیان است که هرچند نقش‌های مذکور دارای تنوع قابل ملاحظه‌ای هستند، اما حضور زنان و سهم آنان در هریک از این نقش‌ها، متوازن نیست به گونه‌ای که زنان در برخی نقش‌ها سهم بیشتری ایفا کرده‌اند. در ادامه به طور تفصیلی به ارزیابی نقش‌های پیش گفته می‌پردازیم.

۳-۱- زنان تدارکاتی

بیشترین تعداد زنان تروریست، در نقش تدارکاتی حضور دارند. بر اساس پژوهشی، در میان ۲۲ گروه تروریستی و شورشی، ۲۱ گروه از آن‌ها، در بخش تدارکات از زنان بهره برده‌اند. در خصوص حضور حداکثری زنان در نقش تدارکاتی دلایل متعددی مطرح شده است: اول این که اغلب رهبران در گروه‌های تروریستی معتقدند که زنان کمتر مورد شک واقع می‌شوند و از بازرسی‌های امنیتی به سهولت عبور می‌کنند. از این رو انتقال و قاچاق اسلحه که در زمره وظایف زنان تدارکاتی محسوب می‌شود، امکان‌پذیر می‌گردد (Speckhard, ۲۰۰۸; Jacques and Taylor, ۲۰۰۹). این مسئله باعث شده تا در برخی مواقع، مردان در لباس زنان از موانع امنیتی عبور کنند (Lay, p. ۲۸). دوم این که از نگاه رهبران تروریست، زنان تدارکاتی در مقایسه با مردان عملیاتی کمتر در معرض خطر قرار دارند و سوم این که برخی از

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —
گروه‌های تروریستی، پست تدارکاتی را به افرادی واگذار می‌کنند که به صورت پاره وقت بتوانند در خدمت گروه باشند و طبیعتاً زنان در مقایسه با مردان، برای اشغال این پست پتانسیل بیشتری دارند چرا که اکثریت زنان جامعه، می‌توانند به صورت پاره‌وقت در خدمت گروه‌های تروریستی باشند (Cragin & Daly, ۲۰۰۹, pp. ۲۱-۲۲).

۳-۲- زنان استخدام‌کننده

زنان استخدام‌کننده از حیث سازمانی در رده بالاتری قرار گرفته‌اند و وظیفه جذب نیروهای تدارکاتی جدید، حامیان مالی، بمب‌گذاران انتحاری یا پیکارجویان را بر عهده دارند. این زنان در ایجاد ارتباط میان مردم و گروه‌های تروریستی نقش مهمی ایفا می‌کنند و در حقیقت، گروه‌های تروریستی را به جهان خارج مرتبط می‌نمایند. پژوهش‌ها نشان از آن دارد که تعداد زنان استخدام‌کننده در مقایسه با زنان تدارکاتی کمتر است. به طور کلی، استخدام با اتکا به دو الگو صورت می‌پذیرد: اول- الگوی تسهیل، بدین صورت که زنان با اتکا به پیوندهای خانوادگی، استخدام همسر، خواهران، برادران، پدران و سایر اعضای خانواده و دوستان را تسهیل می‌کنند. دوم- الگوی تبلیغ، بدین ترتیب که زنان به مبلغانی برای گسترش و نشر ایده‌های تروریستی تبدیل می‌شوند تا از این طریق، مخاطب را جذب کنند (Cragin & Daly, ۲۰۰۹, pp. ۳۹-۴۰). در میان مخاطبان، مردان اهمیت ویژه‌ای دارند و سریع‌تر به گروه‌های تروریستی می‌پیوندند. چرا که مردان غالباً با این احساس روبرو هستند که زنان، بخش عمده‌ای از پست‌ها را نصیب خود کرده‌اند و آنان را به حاشیه رانده‌اند (Von Knop, ۲۰۰۷, p. ۴۰۱).

۳-۳- زنان انتحاری

بمب‌گذاران انتحاری را زنانی تشکیل می‌دهند که برای هدف سازمان، حاضر به قربانی کردن خود هستند. تعداد این زنان نیز کمتر از زنان تدارکاتی است (Cragin & Daly, ۲۰۰۹, p. ۵۵). استفاده از بمب‌گذاران انتحاری زن برای سازمان‌های تروریستی بواسطه افزایش عددی پیکارجویان، یک مزیت محسوب می‌شود. طبیعتاً، افزایش تعداد عملیات انتحاری سبب افزایش پوشش رسانه‌ای و در نهایت افزایش تأثیرات روانی اقدامات تروریست‌ها می‌گردد (Zedalis, ۲۰۰۸, p. ۵۰). برخی پژوهش‌گران بر این باورند که بمب‌گذار انتحاری زن در نگاه مردم، بسیار جذاب و جالب توجه است چرا که رسانه‌ها و جامعه همواره چهره‌ای «مطیع» از

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ۵
زن را به تصویر کشیده‌اند و بمب‌گذار انتحاری زن، این تصویر را مخدوش می‌کند (Bloom, ۲۰۰۵, p. ۱۴۴).
۲۰۰۵, p. ۱۴۴ واقع، بمب‌گذاران انتحاری زن با بهره گرفتن از رسانه‌ها، ترس را به جامعه
توزیع می‌کنند و بواسطه آن، راه دستیابی به اهداف نهایی سازمان را هموار می‌سازند
(Bizovi, ۲۰۱۴, p. ۲۶).

۳-۴- زنان رهبر و پیکارجو

حضور زنان در این گونه نقش‌ها ناظر به تمایل آنان به اثربخشی بیشتر در گروه‌های
تروریستی است. بررسی فراوانی حضور زنان در گروه‌های تروریستی آشکار می‌سازد که در نیمی
از آن‌ها، زنان به عنوان رهبر عملیاتی یا پیکارجو استخدام شده‌اند (Cragin & Daly, ۲۰۰۹, p. ۷۳).
این زنان نقش مهمی در اعمال استراتژی و سیاست‌گذاری در میدان عملیاتی
برای یک سازمان تروریستی دارند (Sutten, ۲۰۰۹, pp. ۳۰).
رهبران و پیکارجویان عملیاتی بواسطه تبلیغات رسانه‌ای تبدیل به قهرمانان جامعه خود
می‌شوند. در این زمینه هم تروریست‌ها با اتکا به کلیشه قربانی بودن زن در جامعه، می‌توانند از
حس همدردی دیگران بهره ببرند و از این طریق بر مخاطب تأثیر بگذارند. در این وضعیت،
مخاطب بجای خطرناک بودن پدیده تروریسم به موضوع دیگری یعنی خشونت علیه زنان و
قربانی بودن آنان توجه می‌کند (Lay, ۲۰۱۵, p. ۲۸).

۳-۵- زنان سیاست‌گذار

تعداد زنان سیاست‌گذار در گروه‌های تروریستی بسیار اندک است اما می‌توان آن‌ها را در سه
دسته جای داد (Cragin & Daly, ۲۰۰۹, pp. ۸۷-۸۸): اول- «دوراندیشان راهبردی» که
زنانی را دربر می‌گیرد که ایدئولوژی یا راهبرد یک گروه تروریستی را دچار تحولی ژرف کرده‌اند.
روزنامه‌نگاران، نویسندگان، یا حتی فلاسفه‌ای که به ارائه مانیفست یا دستورالعمل‌های خاص
برای راهنمایی رهبران تروریست می‌پردازند در این زمره قرار می‌گیرند. دوم- «اعضای کمیته
مرکزی» که دربرگیرنده زنانی هستند که در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند. تصمیمات آنان
معطوف به عملیات نظامی، فعالیت گروه‌های تروریستی و حتی توجه به حقوق زنان در این
گروه‌هاست. سوم- «مقامات سیاسی» متشکل از زنانی است که بواسطه رابطه نزدیک با مقامات

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —
ارشد در گروه تروریستی، به این جایگاه دست یافته‌اند. به عنوان نمونه، همسران، مادران و خواهران رهبران گروه‌های تروریستی در این دسته جای می‌گیرند.
در مجموع، زنان قربانی فشارهای اجتماعی، برای رهایی از این فشارها به دامان گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی سوق پیدا می‌کنند و اقدامات تروریستی را همچون راه‌حلی برای مسئله و مشکل خود می‌دانند. نقش‌های پنج‌گانه فوق هم انطباق مناسبی با تحقق خواسته‌های آنان دارد. در ادامه به کاربست نظریه فشار عمومی ناظر به تروریسم اگنیو در مورد مطالعاتی داعش می‌پردازیم.

۳- دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش

چنان‌که اشاره شد، قلمرو موضوعی مقاله را زنان اروپایی تشکیل می‌دهد که به عضویت داعش در آمدند. بر اساس گزارش کمیته بین‌المللی مبارزه با تروریسم که در آوریل ۲۰۱۶ منتشر شد، ۶۶ درصد از مهاجرانی که به داعش پیوسته‌اند، از کشورهای شمال و غرب اروپا بودند. بلژیک، فرانسه، آلمان و بریتانیا دارای بیشترین تعداد مهاجرین بودند و در رتبه‌های بعدی اتریش و سوئد قرار داشتند. اما با اعلام تشکیل دولت اسلامی در عراق و شام در ماه ژوئن ۲۰۱۴، تعداد زنانی که از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به داعش پیوستند، به طور قابل توجهی افزایش یافت. به عنوان مثال، در آلمان، در سال اول پس از اعلام دولت اسلامی، تعداد افراد مشتاق برای پیوستن به داعش دو برابر شد. در هلند نیز تعداد زنانی که به داعش پیوستند در مدت زمان دو سال یعنی از ژانویه ۲۰۱۴ تا دسامبر ۲۰۱۵، نزدیک به سه برابر شد. در سایر کشورهای اروپایی هم فراوانی حضور زنان در داعش با کشورهای مذکور نسبتاً همخوان بود. (EU, ۲۰۱۷, p. ۱۶). در «جدول - نقشه» زیر میزان اعضا و سهم هر کشور به تفکیک در داعش مشخص شده است. فرانسه با بیشترین عضو در داعش در صدر قرار دارد در حالی که کرواسی کمترین سهم را به خود اختصاص داده است. شاخص‌های اقتصادی کشورهایی که بیشترین مهاجر به داعش را داشته‌اند، در حد بسیار مطلوب و مطلوب بوده است، بنابراین انگیزه‌های اقتصادی در وهله اول نمی‌توانند، دلیل پیوستن مسلمانان اروپایی به داعش باشد. در این زمینه باید به سایر علل و دلایل که عمدتاً جنبه جامعه‌شناختی که شامل موارد زیر است و در چهارچوب نظریه فشار عمومی اگنیو قابل تبیین است:

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش

تعداد پیکارجویان کشورهای اروپایی عضو داعش (Van Ginkel and Entenmann, ۲۰۱۶, p.)

(۵۰)

کشور	تعداد پیکارچو	تعداد زنان (تخمین)
فرانسه	بیش از ۹۰۰	۲۰۰
آلمان	بین ۷۲۰ تا ۷۶۰	بین ۱۴۴ تا ۱۵۲
بریتانیا	بین ۷۶۰ تا ۷۰۰	داده موجود نیست
بلژیک	بین ۴۲۰ تا ۵۱۶	۴۷
سوئد	بین ۲۵۰ تا ۳۰۰	۳۵
اتریش	بین ۳۰۰ تا ۳۳۰	۱۷
هلند	۲۳۰	داده موجود نیست
اسپانیا	بین ۱۲۰ تا ۱۳۹	بین ۱۲ تا ۱۴
دانمارک	۱۲۵	۱۳
ایتالیا	۸۷	داده موجود نیست
فنلاند	۷۰	داده موجود نیست
ایرلند	۳۰	داده موجود نیست
لهستان	بین ۲۰ تا ۴۰	داده موجود نیست
پرتغال	۱۲	داده موجود نیست
لوکزامبور	۶	داده موجود نیست
اسلواکی	۶	داده موجود نیست
بلغارستان	بین صفر تا ۱۰	داده موجود نیست
اسلونی	۳	داده موجود نیست
لتونی	۲	داده موجود نیست
استونی	۲	داده موجود نیست
کرواسی	۱	داده موجود نیست

۴-۱- حس انزوا و عدم تعلق به فرهنگ غرب

افراد موجود در جامعه، قدر مسلم در دوره‌ای از زندگی خود که ناظر به ساخت هویت اجتماعی است به فهم نسبت خود با جامعه پرداخته‌اند. این امر در خصوص افرادی که اقلیت قومی و دینی یک جامعه محسوب می‌شود، چالش‌انگیزتر و پرتنهاب‌تر است. چرا که نژاد و دین، هر دو از عناصر هویت‌ساز هستند و تفارق در این دو مقوله، پیوند هویتی با جامعه را مختل می‌کند و بالتبع، تعارض میان این بخش از جامعه و اکثریت را رقم می‌زند. این موضوع در خصوص اقلیت مسلمان ساکن در جوامع غربی هم صادق است. بسیاری از پژوهش‌ها نیز بر این امر صحنه می‌گذارند که اقلیت مسلمان بخصوص زنانی که از حجاب و نقاب استفاده می‌کنند، از سوی مردم آمریکایی و اروپایی مورد آزار و اذیت کلامی یا اظهارات نژادپرستانه و در برخی مواقع حملات فیزیکی قرار می‌گیرند (Saltman & Smith, ۲۰۱۵, pp. ۹-۱۰). تجربه این آزار و اذیت توسط مسلمانان و بویژه زنان، طبیعتاً در ایجاد حس انزوا و عدم تعلق به فرهنگ و جامعه غربی مؤثر است که مقدمه‌ای برای فاصله گرفتن از غرب و هم‌نوا شدن با معارضین غربی محسوب می‌شود. این هم‌نواایی در وهله اول، به حوزه فکری و عقیدتی باز می‌گردد، بدین معنا که غرب فرهنگی و تمدنی به عنوان دشمن مسلمانان پذیرفته می‌شود، اما در مراحل پیشرفته، به مبارزه عملی و حضور در گروه‌های تروریستی می‌انجامد (COE, ۲۰۱۶, p. ۴).

در کنار آزار و اذیتی که برخی از مسلمانان تجربه کرده‌اند، قرائت موجود در رسانه‌ها نسبت به اسلام و مسلمان هم‌مقوم انزوای این اقلیت موجود در جوامع غربی است. زمانی که حادثه ۱۱ سپتامبر در ۲۰۰۱ اتفاق افتاد، به سبب دخالت اعضای القاعده در این حادثه، مسلمانان به طور عام مورد اتهام قرار گرفتند و بسیاری از رسانه‌ها به ارتباط میان آموزه‌های اسلام و تروریسم دامن زدند. در رسانه‌های غربی، اسلام به عنوان دین خشونت معرفی شد و بکارگیری ابزار خشونت‌آمیز به مثابه یک روش برای دستیابی به هدف توسط گروه‌های مسلمان تلقی گشت. بی‌تردید بخش عمده‌ای از برجسته‌سازی مقوله تقابل اسلام و غرب، توسط رسانه‌ها صورت گرفت که در عمل، سبب طرد مسلمانان از جوامع غربی و در نهایت، ایجاد پتانسیل نفرت از غرب و پیوستن زنان به گروه‌های تروریستی شد. مؤید این امر، پیامی است که توسط یکی از زنان کانادایی‌الاصول پیوسته به داعش با نام «ابو ابراهیم» خطاب به مسلمانان ساکن در جوامع غربی، توییت شده است که می‌گوید: «شما می‌توانید هرچقدر که خواستید با کافران در

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ۵
موضوع مبارزه با تروریسم همراهی کنید، اما در نهایت، آن‌ها شما را تروریست می‌نامند»
(Saltman & Smith, ۲۰۱۵, pp. ۱۰).

۴-۲- ظلم و بی‌عدالتی در قبال امت مسلمان

بخش عمده‌ای از زنانی که به داعش پیوستند، در ابراز تأسف از ظلم بین‌المللی علیه مسلمانان اتفاق نظر داشتند. این افراد معتقدند «امت مسلمان» در همه نقاط جهان مورد ظلم و حمله واقع شده‌اند (Hoyle, Bradford, & Frene, ۲۰۱۵, p. ۱۱). مصداق این سخنان، اقداماتی است که دولت‌های غربی اعم از ایالات متحده و اروپا علیه کشورهای جهان اسلام انجام داده‌اند. قدر مسلم، رسانه‌های داعشی نیز در ایجاد تصویر قابل پذیرش از وجود ظلم و خشونت در کشورهای مسلمان مؤثر بوده‌اند. این رسانه‌ها که مملو از تصاویر زنان و کودکان قربانی جنگ و بمباران‌های هوایی توسط کشورهای غربی بود (COE, ۲۰۱۶, p. ۴)، رفته رفته به یک دشمن و هدف مبارزه هویت دادند و مبارزه عملی با آن را اجتناب‌ناپذیر ساختند. در حقیقت این رسانه‌ها به ایجاد یک «خود» و «دیگری» منطبق بر دو مقوله «ایمان» و «کفر» دست زدند که در پرتو آن، توسل به اقدامات تروریستی، امری الهی و توجیه‌پذیر برای حفظ «خود» یا «ایمان» تلقی می‌شد.

۴-۳- واکنش به بی‌تفاوتی جامعه بین‌المللی در قبال فجایع انسانی

بخشی از مسلمانان جهان به طور عام، همواره نسبت به عدم واکنش جامعه بین‌المللی در قبال فجایع و وقایع ناگواری که در جوامع اسلامی رخ می‌دهد، ابراز نارضایتی می‌کنند. این ابراز نارضایتی و ناراحتی، در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف مسلمان متفاوت است. برخی از مسلمانان بر این باورند که با اتکا به ابزارهای مدنی و مسالمت‌آمیز می‌توان جامعه بین‌المللی را متوجه ابعاد انسانی این فجایع کرد. در حالی که گروهی دیگر با ایجاد تردید در ساختارهای متصلب موجود، به استفاده از ابزارهای مؤثرتری همچون حمایت از گروه‌های رادیکال و افراطی روی می‌آورند. در این راستا، زنان که از حیث عاطفی آسیب‌پذیرتر هستند، خشم از بی‌تفاوتی جامعه بین‌المللی را در قالب حمایت و پیوستن به گروه‌های معارض و حتی تروریست را بروز می‌دهند. در این زمینه هم، رسانه‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند چرا که از یک‌سو، تصاویر آسیب

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

دیدن مسلمانان در بحران‌ها را نشان می‌دهند و از سوی دیگر، عدم ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه و مداخلات بشر دوستانه را تأیید می‌کنند. نمونه بارز آن جریان سوریه و دولت بشار اسد بود که در طی آن، بخشی از زنان اروپایی بواسطه عدم اقدام دولت‌های متبوعشان، برای زندگی در یک جامعه جایگزین و انجام اقدامات لازم در قبال سوریه‌ها، به داعش پیوستند (Saltman & Smith, ۲۰۱۵, p. ۱۳).

۴-۴- تأسیس آرمان شهر اسلامی

زنان داوطلب عضویت در داعش علاوه بر مردود دانستن عناصر مادی و معنایی جوامع غربی، چشم‌انداز یک جامعه آرمانی وعده‌داده شده توسط داعش را هم در سر می‌پروراندند. آنان امیدار بودند که در ایجاد جامعه داعشی که بر اساس احکام شریعت اداره می‌شود، سهیم باشند. مطالب متعددی که در نشریه داعش با عنوان «دابق» منعکس شده نیز، مؤید این امر است. در یکی از شماره‌های دابق آمده: «ما فقط به خاطر اشتباهات و بی‌احترامی‌های آمریکا به خشونت متوسل نمی‌شویم بلکه ما در حال تلاش برای ایجاد یک دولت اسلامی هستیم که براساس احکام خداوند در آن زندگی کنیم» (Hoyle, Bradford, frenett, ۲۰۱۵, p. ۱۲). سخنانی که توسط سایر رسانه‌های داعش و ابوبکر البغدادی، حاکم داعش طرح می‌شد نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. داعش با اشاره به نقش مهم زنان در جامعه آرمانی جدید که ادعا می‌شد بر اساس وظایف مذهبی زنان تعریف شده است، به جذب زنان مسلمان از نقاط مختلف جهان از جمله اروپا می‌پرداختند. حساب کاربری توئیتر زنانی که به داعش پیوستند، مملو از پیام‌های تشویق آمیز برای مهاجرت زنان به سرزمین سوریه جهت تشکیل خلافت اسلامی بود. از دید زنان داعشی مبلغ، دولت اسلامی یک مکان امن برای زنان محسوب می‌شود که قابلیت تبدیل شدن به آرمان‌شهر اسلامی را دارد و در پناه آن، زنان می‌توانند به وظایف مادری و همسری خود بپردازند (Saltman & Smith, ۲۰۱۵, p. ۱۵).

نهایتاً اینکه، موارد فوق همچون پاسخی از سوی زنان مسلمان و بعضاً غیرمسلمان به فشارهای وارد شده بود که ایفای نقش در داعش را سبب می‌شد. نقش زنان در داعش تبعاً ریشه در خوانش داعش از زن مسلمان داشت. بر این مبنای، زنان با اتکا به انگاره‌های داعشی در قبال زنان به ایفای نقش مورد نظر می‌پرداختند. در این راستا، فهم نقش‌های زنان در این سازمان تروریستی، مستلزم درک خوانش داعش از زن است.

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ۵

۴- خوانش داعش از زن

خوانش داعش از زن و نقش آن در اجتماع را می‌توان در پرتو سند یا مانیفست «زنان دولت اسلامی» دریافت کرد که در اوایل سال ۲۰۱۵ منتشر شد. نگارش مانیفست داعش در قبال زنان ناظر به سه هدف اعم از آشکار ساختن نقش زنان مسلمان در زندگی، تأکید بر تقدس زنان در دولت آتی داعش و در نهایت، پرده برداشتن از وجود اسلام دروغین در عربستان سعودی قلمداد شد (Winter, ۲۰۱۵, p. ۷-۱۲).

نقطه آغاز بحث در مانیفست داعش، انتقاد از دیدگاه‌های غرب در قبال علم‌آموزی زنان بود. از نگاه داعش، غرب به نقش مورد تأیید خداوند برای زنان توجه ندارد؛ نقشی که با طبیعت زنان سازگار است و ناظر به مطالعه شریعت و احکام الهی می‌باشد و نه دانش دنیوی که زنان را مجبور به سفر به دورترین نقاط دنیا می‌کند. مطابق با مانیفست، علاوه بر حوزه نظری که معطوف به شریعت است، در حوزه عملی هم وقت زنان باید در خانه و پرداختن به امور آن همچون آشپزی صرف شود (Winter, ۲۰۱۵, pp. ۲۱-۲۴). با وجود این، داعش معتقد بود در برخی مواقع همچون جهاد، مطالعه علوم دینی، نقش‌های عمومی شامل پزشکی، معلم، پرستار، و متخصص، زنان می‌توانند بخاطر خدمت به جامعه از خانه خارج شوند.

داعش بر این باور بود که اگر به سرزمین اسلامی حمله شود و مرد کافی برای حفاظت از کشور در مقابل دشمن وجود نداشت، زنان با استناد به فتوای حاکم باید در جهاد شرکت کنند (COE, ۲۰۱۶, p. ۸). همچنین در خصوص خروج از خانه بواسطه مطالعه علوم دینی، منعی وجود نداشت. علاوه بر این، نیاز به زنان پزشک، معلم، پرستار و زنانی که دارای تخصص فنی بود، ایجاب می‌کرد که آنان اجازه ترک خانه را داشته باشند. اما کار در بیرون از خانه برای زنان مستلزم بهره‌مندی از حقوقی چون مرخصی عادی، مرخصی زایمان به مدت سه سال، اختصاص محل نگهداری فرزندان زنان شاغل و نظائر آن بود (Winter, ۲۰۱۵, p. ۲۲).

۵- نقش زنان در داعش

زنان در داعش فعالیت‌های متنوعی بر عهده داشتند و موقعیت‌های مؤثری در ساختار دولت به خود اختصاص داده بودند. این تنوع در نقش، از کارکرد متفاوت زنان در این سازمان حکایت داشت که تصورات سنتی و متعارف در مورد مطالعات نقش زنان در سازمان‌های تروریستی را به چالش می‌کشید. چرا که داعش به زنان به عنوان قربانیان قابل ترحم یا بی‌طرف نمی‌نگریست

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —
بلکه آنان را به مثابه کنش‌گران راهبردی در نظر می‌گرفت. بر این اساس می‌توان استنباط کرد که نقش زنان در داعش، علاوه بر ثانویه و حمایتی، نقش‌های اصلی را نیز دربر می‌گرفت که به دو دسته نقش‌های داخلی و عمومی تقسیم می‌شد:

۶-۱- نقش زنان در ساختارهای افقی؛ نقش‌های داخلی (خانوادگی)

از نگاه داعش، هدفی که خداوند برای زن مسلمان در نظر گرفته، حمایت و پشتیبانی از امت از طریق ایفای نقش همسری و تربیت نسل بعدی است. بنابراین، همسری و مادری مهمترین نقش زنان محسوب می‌شود.

۶-۱-۱- همسری

نقش همسری در وهله اول، مقدس تلقی می‌شود و ثانیاً بواسطه این که زنان، مدیران توانمند خانه‌های خود هستند، از اهمیتی برابر با مردان برخوردارند (COE, ۲۰۱۶, p. ۶). از این روست که الزامی به شرکت زنان در امور نظامی وجود ندارد و جهاد، تنها برای مردان تعهدآور محسوب می‌شود (Dyer, ۲۰۱۶, p. ۱۳). داعش بر این باور بود که زنان به عنوان همسر جهادی، باید مراقبت شوهران خود باشند و با هوشمندی و مهارت، به این هدف مهم دست یابند. از این جهت که داعش برای مردان وظیفه جهاد تعریف نموده بود، زنان را ملزم به تسخیر قلب شوهران می‌دانست و آن‌ها را منبع آرامش مردان خود تلقی می‌کرد (Spencer, ۲۰۱۶, p. ۸۱). زنان داعش ترغیب می‌شدند تا از شوهران خود اطاعت کنند و مرگ او را به عنوان افتخار ببینند. علاوه بر این، از دختران نیز انتظار می‌رفت تا با جنگجویان داعش ازدواج کنند و برای تشکیل یک خانواده بزرگ جهادگر، دنباله‌رو گام‌های مادران خود باشند.

۶-۱-۲- مادری

چنانکه بیان شد، در مانیفست داعش بر نقش زنان به عنوان مادر تاکید شده بود. داعش با صحنه گذاشتن بر ضرورت افزایش نسل‌های جدید به منظور حفظ و بقای جامعه، مسئولیت اصلی دستیابی به بقای نسل را به زنان واگذار می‌کرد. در این راستا، داعش در یکی از نشریه‌های آنلاین اظهار کرده بود که: «فراتر از همه مسولیت‌ها و فعالیت‌هایی که بر عهده زنان گذاشته می‌شود،

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ۵

«مادری» و «تربیت فرزندان» قرار دارد». همچنین، «مادری»، هدف وجودی زن و یک وظیفه الهی دانسته شده بود (Dyer, ۲۰۱۶, p. ۹).

«دابق» نیز زنان را برای آموزش، پرورش و حفاظت از نسل آینده آموزش می‌داد. «دابق»، پرورش مادر را به عنوان عنصر کلیدی برای افزایش نسل‌های آینده مسلمانان معرفی می‌کرد. بنابراین، نقش و مسئولیت اصلی زنان پرداختن به امر زاد و ولد و تربیت پسرانی بود که ادامه دهنده راه پیکارجویان باشند و جنگاوران آینده داعش را تشکیل دهند (Dyer, ۲۰۱۶, p. ۱۰). علاوه بر این کارویژه‌ها، زنان موظف به یادگیری آشپزی و خیاطی هم بودند. داعش در چهارچوب مانیفست خود، این نقش‌ها را نقش‌های مثبت برای زنان تلقی می‌کرد (Friedland, Richards, ۲۰۱۵, p. ۹).

۶-۲- نقش زنان در ساختارهای عمودی: نقش‌های عمومی - عملیاتی

مبنای نیروگیری داعش ناظر به زنان در نقش‌های عمومی - عملیاتی، سخنان رهبر این گروه، ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۴ بود که خطاب به مردان و زنان نظامی و غیرنظامی اعلام کرد: «ما دانشمندان، فقها، استخدام‌کننده‌ها، پزشکان، مهندسان، قضات و افراد با تخصص در همه زمینه‌های مختلف نظامی، اداری، خدماتی، را به دولت اسلامی فرامی‌خوانیم ... چرا که آنان در دولت اسلامی می‌توانند نیازهای مردم مسلمان را ... پاسخ‌گو باشند و تأمین کنند» (Tarras-Wahlberg, ۲۰۱۶, p. ۲۷). از زمان انتشار این بیانیه، داعش به جذب افراد با مهارت‌های خاص پرداخت و در این راستا، به زنان اجازه حضور در فعالیت‌هایی همچون اجرای قانون، امور اداری - رفاهی، ساخت و بازگشایی بیمارستان‌ها، خانه‌های بهبودی، مراکز رفاهی و یتیم‌خانه‌ها را صادر کرد (Spencer, ۲۰۱۶, p. ۸۶).

در راستای اعطای نقش‌های عملیاتی و نظامی به زنان، داعش در سال ۲۰۱۴، دو تیپ مسلح کاملاً زنانه را برای فعالیت در قلمرو خود ایجاد کرد که عبارت بودند از تیپ الخنساء و تیپ ام‌الریان (Tse, ۲۰۱۶, p. ۸). در خصوص ملیت این زنان، برخی گزارش‌ها حکایت از آن دارند که بخش عمده‌ای از اعضا، بریتانیایی هستند و سایرین از شمال آفریقا، کشورهای خلیج فارس، عراق، چین و دیگر کشورهای اروپایی به این تیپ پیوسته‌اند (Bhutia, ۲۰۱۵).

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

اما در رابطه با خصلت‌های هریک از این گروه‌های نظامی و عملیاتی شایسته ذکر است که تیپ‌های الخنساء، تیپ‌های پارتیزانی و کاملاً زنانه بود که بر اجرای احکام اسلامی و تأمین امنیت محلی در شهرهایی مانند رقه و موصل نظارت می‌کرد (Rahmah, ۲۰۱۶). این تیپ در صورت مشاهده نقض احکام اسلامی، به شیوه‌های خشونت‌آمیز جهت برخورد با ناقضان، متوسل می‌شد. اعضای الخنساء همگی مجهز به کلاشینکوف و سایر سلاح‌ها بودند تا در صورت ضرورت از آن بهره ببرند (Khelghat-Doost, ۲۰۱۶, p. ۸۴) (Spencer, ۲۰۱۶, p. ۸۴). اعضای ام‌الریان نیز مانند تیپ‌های الخنساء کاملاً از زنان تشکیل شده بود. وظیفه این تیپ، چک و کنترل زنان در محل‌های بازرسی، به منظور یافتن مردانی بود که در لباس زنانه پنهان می‌شدند تا از چک‌های امنیتی داعش عبور کنند. زنان ام‌الریان این مجوز را برای خود قائل بودند که هر فرد حجاب‌دار یا نقاب‌دار را متوقف کرده و مورد بازرسی قرار دهند (COE, ۲۰۱۶, p. ۸).

سرانجام این‌که در منتهاالیه طیف مشارکتی زنان در گروه داعش، باید به زنان پیکارجو اشاره نمود. این زنان در خط مقدم در کنار مردان مبارزه می‌کردند. به عنوان نمونه، در فوریه سال ۲۰۱۶، داعش دو اردوگاه زنانه را در رقه افتتاح کرد، که به طور خاص به زنان آموزش می‌داد (Khelghat-Doost, ۲۰۱۶).

نتیجه‌گیری

در حالیکه بخش عمده‌ای از پژوهش‌های موجود، ناظر به مسئله چگونگی جذب زنان توسط داعش است، موضوع انگیزه درونی و شخصی زنان از پذیرش دعوت داعش، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این مبنای، مقاله حاضر تدوین شد تا بدین سؤال اصلی بپردازد که «چرا زنان اروپایی به داعش پیوستند» و حاضر به رها کردن جوامع دموکرات و ثروتمند خود در اروپا شدند و رنج سفر را به جان خریده و به قلمرو داعش مهاجرت نمودند. نویسندگان برای تبیین تمایل زنان اروپایی به داعش، از چهارچوب نظری «فشار عمومی» رابرت اگنیو که در باب تروریسم تدوین شده بهره بردند. بر اساس این نظریه، فشار وارد بر مردم، سبب گرایش به گزینه‌های غیرمسالمت‌آمیز حل مشکل می‌شود که تروریسم یکی از آنهاست. در حقیقت، زنانی که خود را قربانی مواردی همچون غم، هنجارهای جنسیتی حاکم در جامعه، پدرسالاری در خانواده و شرافت از دست رفته می‌دانند، اسباب پیوستن به سازمان‌های تروریستی را فراهم می‌بینند. این فشارها در خصوص زنان اروپایی که پیوستن به داعش را آمال خود قرار داده‌اند، در قامت

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش ♦

انگیزه‌هایی مثل حس انزوا و عدم تعلق به فرهنگ غرب، ظلم و بی‌عدالتی در قبال امت مسلمان، واکنش به بی‌تفاوتی جامعه بین‌المللی و تأسیس آرمان‌شهر اسلامی، نمایان می‌سازد. به سخن دیگر، زنانی که هیچ نسبتی میان عناصر هویتی خود و فرهنگ غرب نمی‌بینند یا حداقل، از برخی گزاره‌های فرهنگی جوامع غربی به تنگ آمده‌اند، یا به طور مستمر، اخباری ناظر به اعمال بی‌عدالتی در جوامع مسلمان می‌شنوند و یاریگری در میان جوامع بشری برای رفع این معضل نمی‌بینند، جذب وعده‌های آرمانی داعش شده و سعی می‌کنند برای رهایی از فشار درونی، با این سازمان تروریستی همراه شوند. قدر مسلم، از نگاه زنان، نقش‌هایی که داعش با خوانش خود از کار ویژه زن در حکومت و دولت موسوم به اسلامی ترسیم نموده است، فشارهای وارد شده را از بین می‌برد و چشم‌انداز آینده را برای این دسته از زنان، امیدبخش جلوه می‌دهد.

منابع:

- Agnew, R. (۱۹۹۲). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. *Criminology*, ۳۰(۱), ۴۷-۸۸.
- Agnew, R. (۲۰۱۰). A general strain theory of terrorism. *Theoretical Criminology*, ۱۴(۲), ۱۳۱-۱۵۳.
- Bhutia, J. (۲۰۱۵). ISIS'Al-Khansaa Brigade Kills Woman for Breast-Feeding Baby in Public in Raqqa. *International Business Times*, ۲۸.
- Bizovi, O. M. (۲۰۱۴). *Deviant Women: Female Involvement in Terrorist Organizations* (Doctoral Dissertation, Mercyhurst University).
- Bloom, M. (۲۰۰۵). *Dying to kill: The allure of suicide terror*. New York, NY: Columbia University Press.
- Buzan, B., & Hansen, L. (۲۰۰۹). *The evolution of international security studies*. Cambridge University Press.
- Carter Center, (May, ۲۰۱۷), *The Women in Daesh: Deconstructing Complex Gender Dynamics in Daesh Recruitment Propaganda*, The Carter Center One Copenhill ۴۵۳ Freedom Parkway Atlanta, Georgia ۳۰۳۰۷.
- Committee of experts on terrorism (CODEXTER), (October, ۲۰۱۶) *The Roles of Women in Daesh Secretariat of the Counter-Terrorism Division Information Society and Action against Crime Directorate*, DG I.
- Cragin, R. K. & Daly, S. A. (۲۰۰۹). *Women as terrorists: Mothers,recruiters,andmartyrs*. Santa Barbara, CA: Praeger Security International.
- Dyer, E, (March, ۲۰۱۶), *Women and the Caliphate: Women's Rights and Restrictions in Islamist Ideology and Practice*, Centre for the Response to Radicalisation and Terrorism Policy Paper No, at The Henry Jackson Society.

_____ زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش

- EU. (۲۰۱۷). Radicalisation and violent extremism – focus on women: How women become radicalised, and how to empower them to prevent radicalisation . Women's Rights & GenderEquality.Retrievedfrom[http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/۲۰۱۷/۵۹۶۸۳۸/IPOL_STU\(۲۰۱۷\)۵۹۶۸۳۸_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/۲۰۱۷/۵۹۶۸۳۸/IPOL_STU(۲۰۱۷)۵۹۶۸۳۸_EN.pdf)

- Friedland, Z, Richards, N, (June, ۲۰۱۵) Countering Violent Extremism By Countering Stereotype, A Report to the Under Secretariat for Civilian Security, Democracy & Human Rights, U.S. Department of State.

- Goodwin, J. (۲۰۰۶). A theory of categorical terrorism. Social Forces, ۸۴(۴), ۲۰۲۷-۲۰۴۶.

- Gray, A. L. (۲۰۱۵). Female Integration in Terrorist Groups, Arkansas: University of Arkansas

- Hoyle, C., Bradford, A., & Frene, R. (۲۰۱۵). Becoming Mulan?: Female Western Migrants to ISIS. London: Institute for Strategic Dialogue.

- Jacques, K. and Taylor, P. (۲۰۰۸) 'Male and Female Suicide Bombers: Different Sexes, Different Reasons?', Studies in Conflict & Terrorism ۳۱, ۳۰۴-۳۲۶ Jacques, K. And Taylor, P. (۲۰۰۹) 'Female Terrorism: A Review', Terrorism and Political Violence ۲۱, ۴۹۹-۵۱۵

- Khelghat-Doost, H. (۲۰۱۶) Women of the Islamic State: The Evolving Role of Women in Jihad. Counter Terrorist Trends and Analysis, ۸ (۹), ۲۱-۲۶.

- Lay, K. (۲۰۱۵). 'Women as Terrorists' An Insoluble Paradox.

- Mahan, Sue, and Pamela L. Griset. Terrorism in Perspective.ThousandOaks,CA:SagePublications, ۲۰۰۸.

- Rahmah, U. (۲۰۱۶). The Role of Women of the Islamic State in the Dynamics of Terrorism in Indonesia.The Middle East Institute, ۱۰.

— فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷

- Saltman, E., & Smith, M. (۲۰۱۵). *Till Martyrdom Do Us Part: Gender and the ISIS Phenomenon*. London: Institute for Strategic Dialogue.

- Speckhard, A. (۲۰۰۸) 'The Emergence of Female Suicide Terrorists', *Studies in Conflict & Terrorism* ۳۱, ۹۹۵-۱۰۲۳

- Spencer, A. N. (۲۰۱۶). *The Hidden Face of Terrorism: An Analysis of the Women in Islamic State*. *Journal of Strategic Security*, ۹(۳), ۷۴.

- Suttan, M. L. (۲۰۰۹) *The rising importance of women in terrorism and the need to reform counterterrorism strategy*. PhD. School of Advanced Military Studies.

- Tarras-Wahlberg, L. (۲۰۱۶). *Promises of paradise?: A study on official ISIS-propaganda targeting women*, Master's thesis in Political Science, Swedish Defence University.

- Tse, T. (۲۰۱۶). *ISIS and Recruitment: How Do Demographics Play a Role?*. Master's thesis, Pittsburgh: Carnegie Mellon University.

- Van Ginkel, B., & Entenmann, E. (۲۰۱۶). *The foreign fighters phenomenon in the European Union, profiles, threats and policies*, ICCT research paper prepared for the Netherlands National Coordinator for Security and Counterterrorism on the occasion. Hague: ICCT.

- Von Knop, K. (۲۰۰۷). *The female jihad: Al Qaeda's women*. *Studies in Conflict and Terrorism*, ۳۰(۵), ۳۹۶-۴۱۴.

- Winter, C. (۲۰۱۵). *Women of the Islamic State: a manifesto on women by the Al-Khanssaa Brigade*. Quilliam Foundation.

- Zedalis, D. D. (۲۰۰۸). *Analyzing female suicide bombers*. In C.D. Ness (Ed.), *Female terrorism and militancy: Agency, utility, and organization* (۴۹-۶۸). London: Routledge.